

فره‌یختگان

شنبه ۱۸ بهمن ۱۴۰۴

شماره ۴۶۲۴

FARHIKHTEGANDAILY.COM

FARHIKHTEGANONLINE

اردیبهشت سال ۵۹ نیروهای دلتای آمریکایی به امید آزادسازی دستگیرشدگان آمریکایی در سفارت آمریکا در ایران، هواپیماهایشان را از پایگاه مصریه عمان بلند کردند؛ اما به تهران نرسیدند و در طبرس زمین‌گیر شدند. ۴۵ سال بعد در میانه پرتش‌ترین روزهای روابط ایران و آمریکا، هیئت ایرانی عازم عمان برای مذاکره با آمریکا شد؛ اما در اقدامی نمادین مبدأ پرواز هواپیما به مقصد عمان را «طبریس» اعلام کرد؛ اقدامی که پیامی روشن برای آمریکایی‌ها داشت.

رئیس‌جمهور آمریکا هم جنگ رسانه‌ای را با انتشار تصویری از پرسولی پیش از شروع مذاکرات به طنزترین شکل ممکن نشان داد. مجموع این رفتارها نشان می‌داد درخواست مذاکره نوعی عقب‌نشینی از تقابل نظامی است؛ اما این به معنای پایان آن نیست و حالا این تقابل به روش دیگری در میز مذاکره ادامه پیدا خواهد کرد. با این تفاوت که این بار طرف آمریکایی به‌خوبی می‌داند نمی‌تواند از موضع ضعف با ایران روبه‌رو شودو خواسته‌های غیر منطقی داشته باشد. آمریکایی‌ها البته با حضور غیرمنتظره فرمانده ستکدام در کنار جرد کوشر و ویتکاف تلاش کردند، جریان مذاکره و جریانات رسانه‌ای را به نفع خود بچرخانند؛ اما پیش‌ازاین، تهران نیز با تغییر مکان مذاکرات، تلاش کشورهای منطقه برای اینکه بخشی از روند مذاکرات باشند و بتوانند پرونده‌های دیگر را به هسته‌ای سنجاق کنند، ناکام گذاشت و مذاکرات را در یک موضوع و آن‌هم هسته‌ای، محدود کرد. البته طرف آمریکایی باهدف تغییر در محتوای مذاکرات و تحمیل شروط جدید، خبر لغو مذاکرات را به یک رسانه نزدیک به صهیونیست‌ها داد تا از

این طریق، طرف ایرانی را تحت‌فشار بگذارد؛

اما پاسخ محکم ایران و در نهایت پست عباس عراقچی در شبکه ایپس که اعلام کرد مذاکرات هسته‌ای با ایالات متحده روز جمعه حدود ساعت ۱۰ صبح در مسقط برگزار می‌شود، این طراحی را با شکست مواجه کرد. حجم اخباری که رسانه‌ها از روند مذاکرات منتشر کردند نشان می‌داد خواست ایران برای محدودکردن مذاکرات به موضوعات هسته‌ای تحقق‌یافته است. در گفت‌وگوهای نزدیک به ۵ ساعته میان دوطرف با واسطه‌عمانی که در سه دور برگزار شد، دو طرف روی چهارچوب و کلیات مذاکره گفت‌وگو کردند. سیدعباس عراقچی، وزیر خارجه پس از پایان دور نخست مذاکرات، آن را «شروع خوبی» خواند و گفت قرار بر این است مذاکرات همچنان ادامه داشته باشد؛ اما ادامه آن منوط به این است که در پایتخت‌ها صحبت کنیم. این موضوع را نمی‌توان نشان از پیروزی یا شکست مذاکره دانست؛ اما این گزاره را اثبات می‌کند که طرف آمریکایی به این نتیجه رسیده برای مواجهه با ایران، راهی جز گفت‌وگو ندارد.

اولین دورمذاکرات ایران و آمریکا در عمان پس از جنگ ۱۲ روزه و کودتای دی ماه تمام شد؛ تهران تأکید دارد برای سناریوی جایگزین آماده است

جنگ رسانه‌ای، چند قدم مانده به شروع مذاکره

ترامپ این دور از مذاکره با ایران را هم با جنگ رسانه‌ای شروع کرد، درحالی‌که همه‌شواهد نشان می‌داد این بار طرف آمریکایی به این نتیجه رسیده که مذاکره در حال حاضر تنها گزینه برای جلوگیری از شروع جنگ منطقه‌ای در خلیج فارس است؛ اما فضاسازی رسانه‌های آمریکایی و اسرائیلی در مورد احتمال لغو مذاکره، پیام‌های نامنظم ترامپ در شبکه اجتماعی‌اش و نهایتاً حضور «برد کوپر» فرمانده سستکام، تلاش‌هایی برای تغییر جو مذاکراتی به نفع آمریکا بود. بااین‌حال به نظر می‌رسید آنچه در میز مذاکره در جریان است، بافضاسازی‌ها و جریان‌سازی‌های رسانه‌ای فاصله‌ای قابل توجه دارد.

رسانه‌ها از مذاکره چه گفتند؟

گفت‌وگو میان هیئت ایرانی و آمریکایی با واسطه‌عمانی حوالی ساعت ۱۱:۴۰ دقیقه به وقت تهران آغاز شد. از همان دقایق ابتدایی هم خبرسازی رسانه‌ها آغاز شد. دقایقی بعد از شروع مذاکره، «الجزیره» خبر داد که قرار است بالاترین فرمانده نظامی آمریکا در منطقه به مذاکرات بپیوندد، حضور «کوپر» تقریباً غیرمنتظره بود و البته این گمانه را هم تقویت می‌کرد که این اقدام بیش‌تر نمایشی رسانه‌ای است. گمانه‌زنی‌های متعددی از طرح‌ها و چهارچوب‌های پیشنهادی دوطرف مطرح می‌شد، «نیویورکتایمز» نوشت تهران ممکن است در ازای لغو تحریم‌های آمریکا، توقف بلندمدت برنامه هسته‌ای خود را پیشنهاد دهد. از طرفی گفته می‌شد ممکن است چهارچوبی برای ترک تخاصم میان طرفین آمریکایی و ایرانی مطرح شود. یک ساعت پس از شروع مذاکرات آسوشیتدپرس مدعی شد خودروی حامل مذاکره‌کنندگان آمریکایی، محل مذاکره را ترک کرده‌است. اما دقایقی بعد رسانه‌ها اعلام کردند این توقف به معنای پایان دور اول مذاکراتی برای ارتباط طرفین با پایتخت‌هایشان بوده و مذاکرات هنوز تمام نشده است؛ اتفاقی که برخی رسانه‌ها آن را نشانه مثبت مذاکرات ایران و آمریکا می‌دانستند.

دور دوم مذاکرات با واسطه‌گری بدر بوسعیدی، وزیر خارجه عمان ازسرگرفته شد. این بار رسانه‌ها مدعی شدند عراقچی پاسخ پیشنهاد آمریکا را ارائه داده‌است. المیادین نوشت این دور مذاکراتی، دور بازسازی اعتماد بین دوطرف است. خبرگزاری دولت هم نوشت ایران خواستار تضمین‌های ملموس است تا تحریم‌های اقتصادی و مالی به طور کامل برداشته شود.

حسن بهشتی پور، کارشناس مسائل بین الملل در گفت وگو با «فرهیختگان»: چرا مذاکرات به «دستور کار مشترک» نرسید؟

منافع خودش نه به‌خاطر دلسوسری برای مردم ایران. واقعیت آن است که ترکیه کشوری بی طرف نیست و مواضع متضاد، متناقض و مذبذب دارد. براین اساس ترکیه مکان مناسبی برای گفت‌وگو میان طرفین نبود. نکته دیگر آنکه عمان، مرکز رسانه‌ای نیست و رقابت رسانه‌ای شدید می‌سان آن ترک وجود ندارد؛ اما در طرف ترکیه‌ای رقابت رسانه‌ای شدید می‌سان آن ترک و منابع مختلف غربی که آنجا حضور دارند، وجود دارد. این فضاسازی رسانه‌ای و مطبوعاتی روی روند مذاکرات بسیار اثرگذار است کمااینکه پیش‌ازاین در زنون وین شاهد نتایج فضاسازی مذاکراتی و فشار بیرون مذاکراتی بودیم. وقتی مذاکرات در عمان برگزار می‌شود عملاً فشار مذاکراتی وجود ندارد یا بسیار کم است و ازاین جهت، تصمیم ایران تصمیم درستی بود. ضمن اینکه طرف آمریکایی هم از این ماجرا ضرر نمی‌کردند به این خاطر که آن‌ها می‌خواستند جنبه محرمانگی مذاکرات حفظ شود به این معناکه چیزی بیرون از مذاکرات در فرایند مذاکرات تأثیر نگذارد به‌خصوص در جنبه رسانه‌ای.

نکته دیگر اینکه مذاکرات از نگاه ایران غیر مستقیم است. در چنین وضعیتی وزیر خارجه عمان برای انتظام پیام مناسب‌تر است تا آقای فیدان. مهم است که آنچه مطرح می‌شود عین آن به طرف مقابل مطرح و تحت‌تأثیر نظر کشور ثالث قرار نگیرد. درحالی‌که با واسطه‌گری ترکیه احتمال تأثیرگذاری نظر این کشور، وجود داشت.

بر مبنای آنچه در رسانه‌ها منتشر شد برآوردتان از دور اول مذاکرات چیست؟

این مذاکرات مثل دور اول مذاکرات که منجر به جنگ شد، بیشتر ارزیابی است برای رسیدن به دستور کار مشترک. مهم است که دو طرف دستور کار مشترک مذاکراتی داشته باشند. در حال حاضر دو طرف دوسطور کار دارند. یک دیکته‌ای است که آمریکایی‌ها دارند و روی تحقق آن تأکید دارند؛ ۱. تعیین تکلیف ذخایر اورانیوم ۶۰ درصد؛ ۲. پذیرش غنی‌سازی صفر درصد؛ ۳. بردموشک‌ها به ۵۰۰ کیلومتر محدود شود. ۴. تعهد داده‌شود در کشور های منطقه‌ای مداخله‌ای انجام ندهید.

طرف ایرانی می‌گوید، مذاکره می‌کنم برای؛ ۱. مدیریت بحران و جلوگیری از جنگ، ۲. نشان دادن حسن نیت به دنیا و حل مسئله از طریق مذاکرات ۳. تلاش بر لغو و کاهش تنش‌ها ظالمانه علیه ملت ایران.

قاعدتاً در دور اول و دوم مذاکرات، دو طرف باید به سمت رسیدن به دستور کار مشترک حرکت کنند. آن زمان می‌شود قضاوت کرد که مذاکرات به نتیجه خواهد رسید یا خیر. فعلاً که آقای عراقچی خبر از پیشرفت داده و امیدواریم که به دستور کار مذاکراتی مشترک میان دو طرف برسیم. مشترک کردن دستور کار آغاز مذاکره هدفمند برای رسیدن به (نگوشیش) است.

اولین دورمذاکرات ایران و آمریکا در عمان پس از جنگ ۱۲ روزه و کودتای دی ماه تمام شد؛ تهران تأکید دارد برای سناریوی جایگزین آماده است

مذاکره در میدان

استقبال کشورهای منطقه از رسیدن به چهارچوبی برای توافق

حوالی ساعت ۱۵:۵۰ دقیقه به وقت تهران، دور دوم مذاکراتی نیز به پایان رسید. در این میان مقامات کشورهای منطقه از رسیدن ایران و آمریکا به چهارچوب توافقی استقبال کردند که به ترک تخاصم منجر شود. وزیر خارجه عربستان گفت: «از مذاکرات کنونی میان واشنگتن و تهران در خصوص پرونده هسته‌ای حمایت می‌کنیم.» وزارت خارجه قطر هم در پیامی بر تلاش‌ها برای کاهش تنش در منطقه تأکید کردند. روسیه نیز اعلام کرد امیدوار است گفت‌وگوهای میان ایران و آمریکا به کاهش تنش منجر شود.

پایان مذاکرات

بااین حال، تحلیل خبرنگار المیادین از دو دور مذاکراتی این بود که آنچه در جریان است، صرفاً مذاکره برای مذاکره است و خبری از مذاکره در مورد جزئیات نیست. خبرنگار الجزیره اما معتقد بود مذاکرات غیر مستقیم میان ایران و آمریکا به مرحله‌ای رسیده که طرفین برداشت خود از چهارچوب گفت‌وگوها را به وزیر خارجه عمان، ارائه داده‌اند. حوالی ساعت ۱۶:۵۱ دقیقه به وقت تهران مذاکرات میان ایران و آمریکا بعد از شروع دور سوم مذاکراتی به پایان رسید. پیش از شروع صحبت‌های عباس عراقچی این گمانه‌زنی از جانب رسانه‌ها مطرح می‌شد که ممکن است فرایند مذاکره در روزهای آتی ادامه داشته باشد.

شروع خوب مسقط ادامه دارد؟

عباس عراقچی در جمع‌بندی نتیجه مذاکرات آن را «شروعی خوب» دانست که بیشتر متمرکز بر انتقال «نگرانی‌ها»، «منافع و حقوق مردم ایران» بود. وزیر خارجه به این موضوع هم اشاره کرد که دیدگاه‌ها و مواضع طرف آمریکایی هم شیده شد. او جو حاکم بر مذاکره را مثبت ارزیابی کرد با این شرط که همین روند از جانب طرف مقابل هم دنبال شود و ادامه پیدا کند. آن‌طور که عراقچی بیان کرد مذاکرات هنوز وارد جزئیات نشده؛ اما ایران این گزاره را اجا ننداخته که تنها در موضوع هسته‌ای گفت‌وگو خواهد کرد. رسیدن به چهارچوب توافق مشروط بر آن است که «بتوان بر جویی اعتمادی حاکم غلبه کرد و به چهارچوب توافق مشخصی رسید.» با توجه به شروع تازه مذاکرات میان ایران و آمریکا نمی‌توان این گزاره را به‌طور قطع مطرح کرد که ایران و آمریکا به چهارچوب توافق مشخصی خواهند رسید یا خیر. این موضوع بسته به تنظیم خواسته‌های طرفین و جلوگیری از زیاده‌خواهی طرف آمریکایی است. اگر آمریکا مانند دور پیشین مذاکرات، خواسته‌های زیاده‌خواهانه و غیر منطقی از ایران را ادامه دهد و میز مذاکره را میز تسلیم ببیند، طبیعتاً رسیدن یک توافق مشخص امری دور از دسترس خواهد بود. بااین‌وجود اما رسانه‌ها نوشته‌اند ایران و آمریکا، همان مواضع گفت‌وگوی پیشین را حفظ کرده‌اند

با توجه به ششواهد و نگاه به فرایند مذاکراتی مثل تغییر مکان مذاکره، حذف حضور کشورهای منطقه و منحصر کردن مذاکرات به چهارچوب هسته‌ای این گمانه تقویت می‌شود که ایران نواسته باشد خواسته‌های خود را حداقل در زمین مذاکرات، اعمال و چهارچوب خواسته‌های طرف مقابل را تنظیم کند. اما اینکه آمریکایی‌ها این فرایند را ادامه خواهند داد یا مانند گذشته زیر میز خواهند زد، امری است که گذر زمان آن را مشخص خواهد کرد. البته باید به این گزاره اساسی نیز توجه داشت که این بار تهدید بزرگی بالای سر رئیس‌جمهور معامله‌گر و کم‌حوصله آمریکایی است و آن‌هم شروع جنگ منطقه‌ای است که خطر تکرار تجربه تلخ عراق را این بار برای ترامپ پررنگ می‌کند.

بازی لبه پرتگاه

فرق است میان گفت‌وگو و دیالوگ، دو طرف در حال دیالوگ کردن هستند اما «نگوشیش» یا «مذاکرات رسمی» زمانی است که دستوری برای مذاکرات وجود داشته باشد.

باتوجه به شرایط منطقه‌ای و تهدید صریح ایران، چقدر این را محتمل می‌دانید که ترامپ خواهان رسیدن به توافقی منطقی با ایران باشد؟

ترامپ کلاً آهل گفت‌وگو و معامله است؛ اما گفت‌وگو را همان‌طور که در کتابش توضیح داده با تهدید پیش می‌برد. شب پیش از شروع مذاکره هم دم از مذاکره زده است هم ایران را تهدید کرده است. استراتژی ترامپ این است که تهدید و مذاکره را با هم پیش برده به این منظور که بتواند خواسته‌های خودش را به‌طور مقابل، تحمیل کند. اینکه بگویم ترامپ افعاً دنبال مذاکره است، درست است؛ اما به شرطی که به آنچه می‌خواهد برسد. اگر نرسد آیا حاضر به جنگ است؟ خود او منتقد جنگی بود که پوش پسر، اوپاما و بایلین در افغانستان و عراق ادامه دادند و تأکید داشت که ما میلیارد‌ها دلار خرج کردیم و به نتیجه‌ای نرسیدیم؛ به همین منظور او به دنبال زدن یک ضربه و بهره‌برداری کردن از آن است. اینکه می‌خواهد خودش را با جنگی طولانی مدت در منطقه درگیر کند؟ طبیعتاً نمی‌خواهد. تصور ذهنی ترامپ این است که می‌تواند یک ضربه قاطع و دقیق بزند و ایران را تسلیم کند و با این تصور مذاکره می‌کند که بگوید من اتمام حجت کردم.

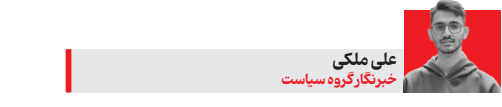
مقابلاً رفتار ایران هم باید ترکیبی از این دو باشد، کمااینکه الان نیز همین طور است.

بله همین است برای مثال ایران هم فیلم آزمایش موشکی را به‌تازگی منتشر کرد؛ اما آمریکایی‌ها یک بدجنسی کردند و رئیس ستنکام را در آخرین لحظات به مذاکرات ملحق کردند. به‌نظر اگر ایران می‌دانست که چنین کاری در حال انجام است، بهتر بود که یکی از فرماندهان نظامی ما همراه این هیئت باشد یا حداقل در دور بعد می‌تواند حاضر باشد.

معنای حضور فرمانده ستنکام در روند مذاکراتی چیست؟
می‌تواند معانی مختلفی داشته‌باشد. یکی از آن‌ها این است که به‌منتهی‌جرسیدن هر توافقی با نظر گرفتن نظرات فرمانده میدان صورت بگیرد. چون آقای ویتکاف و کوشر سابقه نظامی ندارند. فردی نظامی را در مذاکرات آوردند که به طور مستقیم اعمال‌نظر کند علاوه بر این مورد اعتماد ترامپ نیز است. نظر دیگر نیز این است که حضور کوپر یک عامل تهدیدی است. به نظر گزاره اول پررنگ‌تر است؛ چون تهدید به‌اندازه کافی از زبان ترامپ در حال اعمال است و نیازی نیست از زبان مهندس ستنکام شنیده شود.

نقش جامعه اطلاعاتی و رسانه‌ای آمریکا در پروژه فشار علیه ایران چه بود؟

رسانه، رکن چهارم فشار حداکثری



اصلی‌ترین عضو تیم مذاکره‌کننده آمریکایی نه ویتکاف بود، نه کوشر و نه فرمانده ستنکام، بلکه «آکسیوس» بود. این پایگاه خبری از هفته‌ها قبل عملیات‌سازماندهی شده خود علیه ایران را آغاز کرد و با خبر «حمایت عربستان از حمله آمریکا به ایران» جنجال‌ساز شد؛ موضوعی که بلافاصله توسط رابرت نکلیپ شد و باراک اوباید و همکارانش را رسوا کرد. این رسانه سپس با انتشار خبر «لغو مذاکرات مسقط» توسط رابید به میدان بالگشت؛ اما به‌فاصله چند ساعت از این خبر خود عقبنشینی کرد. باراک اوباید – که سوابق او نشان‌دهنده نزدیکی نتگانتگ با نهادهای اطلاعاتی نظامی رژیم صهیونیستی (مانند واحد ۸۲۰۰) است – با انتشار این خبر به دنبال ایجاد یک شوک روانی در بدنه جامعه و فضای سیاسی ایران بود که با موضع فوری وزارت خارجه ناکام ماند.

این تکنیک که به‌نوعی «خبرسازی برای تست واکنش» بود، با هدف «سنجش میزان اراده» و «پایداری طرف ایرانی بر مواضع اصولی خود» انجام شد. هنگامی که وزیر خارجه ایران با واقعیت خبر برگزاری مذاکرات را تأیید کرد، آکسیوس مجبور به عقب‌نشینی شد. اما بلافاصله ستاندری دوم خود را کالبد زده و خودش بر خبر جعلی قبلی خود در باره عربستان خط‌بطلان کشید: «میانجی‌های منطقه‌ای با لای‌گری گسترده مانع از خروج آمریکا از مذاکرات شده‌اند.»

فشار مرکب

آنچه آکسیوس و رسانه‌های هم‌دنبال می‌کنند، بخشی از یک کلان‌راهبرد موسوم به «فشار مرکب» است. در این راهبرد، دیپلماسی به‌نهایتی عمل نمی‌کند، بلکه در کنار تهدید نظامی و عملیات روانی، یک ملث فشار را شکل می‌دهد. هدف این است که ایران در شرایط گیجی پای میز مذاکره کشانده شود پس هزینه «عدم تسلیم» برای او بزرگ‌تر از هزینه «تسلیم تحت فشار» جلوه‌دهد.

در این سناریو، رسانه وظیفه‌دار میان‌سیگنال‌های متناقض ارتباط برقرار کند. از یک‌سو واشنگتن سخن از مذاکره می‌گوید و از سوی دیگر، رسانه‌هایی چون آکسیوس با انتشار اخبار مربوط به افزایش حضور نظامی با تهدیدات اسرائیل، فضای ارباع را تقویت می‌کنند. این تناقضات ابزاری، برای مدیریت افکار عمومی جهانی و هم‌زمان افزایش اهرم چانه‌زنی طرف غربی طراحی شده‌اند.

رسانه در نقش پلیس بد

از زمان امنای برجام تاکنون، یک خط سیر مشخص در فعالیت‌های آکسیوس و مهره‌هایی نظیر باراک اوباید و لارنس نورمن دیده می‌شود. وظیفه اصلی این جریان، «فراموشی‌کردن» هرگونه گفت‌وگو است. درحالی‌که چهارچوب رسمی مذاکرات ممکن است بر موضوعات هسته‌ای متمرکز باشد، آکسیوس با انتشار هدفمند اخبار جعلی یا نیمه‌واقعی، تلاش می‌کند موضوعات غیر مرتبط مانند توان موشکی، نفوذ منطقه‌ای، حتی مسائل داخلی ایران را به دستور کار تحمیل کند.

این اقدام در منطق چانه‌زنی همان بالا بردن سقف مذاکره است. وقتی رسانه ادعا می‌کند که ایران باید بر سر مسائل ماهوار یا یانهپای نیز مذاکره کند، در واقع در حال آلام‌سازی فضای ایران، رست کشاندین مذاکرات یا کفر امتیازات حداکثری است. آکسیوس در این بازی، نقش «پلیس بد» رسانه‌ای را ایفا می‌کند تا راه را برای زیاده‌خواهی‌های رسمی دیپلمات‌ها هموار سازد. تاریخچه فعالیت‌های آکسیوس سرشار از نمونه‌هایی است که نشان می‌دهد این رسانه یک بازی سازمان‌ی برای عملیات روانی است و نه یک نهاد مستقل خبری. به‌عنوان نمونه آکسیوس مدعی شده بود که پوژین از ایران خواسته تا توافق «بدون غنی‌سازی» را بپذیرد. این خبر بلافاصله توسط مقامات ارشد روسیه به‌عنوان یک «کارزار سیاسی کثیف» رد شد و هدف از این خبرسازی، ایجاد شکاف میان متحندان و القای حس انزوای دیپلماتیک به ایران معرفی شد. در موردی دیگر، این رسانه مدعی شدوزیر دفاع عربستان خواستار خبردست‌تر ترامپ با ایران شده‌است؛ ادعایی که بلافاصله توسط ریاض تکذیب ویز لزوم دیپلماسی تأکید شد. آکسیوس با این ترفند، به دنبال تخریب مسیر تنش‌زایی نظامی و بازگرم فضای تقابل بود. این الگو نشان می‌دهد که هرگاه ایران در مسیر بی‌اثر کردن فشارها یا بهبود روابط منطقه‌ای گام برداشته، آکسیوس و امثالهم با یک دستور کار مشخص وارد میدان شده تا مسیر را نامهار کنند و آن‌طور که رژیم صهیونی و جناح راست افراطی ایالات متحده می‌خواهد، احتمال هرگونه توافق میان ایران و آمریکا را از بین ببرد.

بازی لبه پرتگاه

یکی از کلیدی‌ترین ابعاد فعالیت آکسیوس، نمایش هماهنگی کامل میان ایالات متحده و رژیم صهیونیستی است. بارها دیده شده که هم‌زمان با سفر مقامات آمریکایی به سرزمین‌های اشغالی، آکسیوس موج جدیدی از اخبار ضدایرانی را آغاز می‌کند. این رسانه به‌عنوان تریبون غیر رسمی عمل می‌کند تا مطالباتی را که مقامات رسمی به‌دلائل دیپلماتیک نمی‌توانند بیان کنند، در فضای عمومی مطرح کند.

در واقع، اسرائیل از طریق این رسانه‌ها، بر شب تنش‌ها می‌افزاید و آمریکا از این فضای مشتج برای امتیازگیری استفاده می‌کند. این یک بازی بر لبه پرتگاه است که در آن رسانه وظیفه دارد ریسک‌پذیری طرف مقابل را بسنجد و او را به سمت خطای محاسباتی سوق دهد.

ضرورت ضدحمله

نکته بسیار حائز اهمیت، عدم ترازن ابزاری در این نبرد است. طرف غربی- صهیونیستی با ایجاد یک شبکه به‌هم‌پیوسته از خبرگزاری‌ها، خبرنگاران تحقیقی – که در واقع افسران اطلاعاتی هستند- و اکانت‌های شبکه‌های اجتماعی، این‌تحصار روایتی ایجاد کرده است. در مقابل، فقدان رسانه‌هایی با دید بین‌المللی مشابه در طرف ایرانی که بتوانند به همان سرعت و با همان ضرب‌تقو، عملیات روانی دشمن را خنثی کرده‌ای «ضد حمله رسانه‌ای» انجام دهند، کاملاً مشهود است.

دشمن‌ن از این خلأ استفاده کرده و روایت خود را به‌عنوان حقیقت مطلق به افکار عمومی جهان و حتی بخشی از افکار عمومی داخل ایران تزریق می‌کند. آکسیوس می‌داند که حتی اگر خرس تکذیب نشود، تأثیر اولیه خود را بر بازار، روان جامعه و میز مذاکره گذاشته است.

رسانه‌هایی مانند آکسیوس و مهره‌هایی چون باراک اوباید کارگزاران یک پروژه کلان می‌سازند. آن‌ها بخشی از تزجیه‌روآیین فشار بر ایران محسوب می‌شوند که مأموریت دارند با ابزار فیک‌نوز، اراده ملی را فرسوده کنند.

بلایی که سربرجام آوردند

در ادوار مختلف مذاکراتی، به‌ویژه در جریان برجام، راهبرد «فشار مرکب» به‌عنوان ابزار جنگ شناختی علیه ایران به کار گرفته شد. در این دوره، رسانه‌های آمریکایی و هم‌سوا با تکرار چند روایت اصلی تلاش کردند افکار عمومی را علیه ایران شکل دهند. این مجموعه روایت‌ها به‌عنوان پازل یک عملیات روانی و فشار ترکیبی برای انزوای دیپلماتیک و افزایش هزینه‌های سیاسی ایران عمل کرد:

- القای مداوم تلاش ایران برای دستیابی به سلاح هسته‌ای، درحالی‌که گزارش‌های اطلاعاتی آمریکا زائنت چنین ادعایی تأیید نمی‌کرد.
- طرح ادعای «تفرض برجام توسط ایران» با وجود تأییدهای مکرر زائنت در باره پایدنی تهران؛ با هدف توجیه خروج آمریکا از توافق.
- تهمت کردن ایران به حمایت از تروریسم و حتی نسبت دادن آن به القاعده، برای ایجاد زمینه حقوقی و سیاسی فشار یا اقدام نظامی.
- القای «سهولت جنگ با ایران» برای اثرگذاری بر محاسبات دفاعی و زمین‌سازی حمله.

هم‌سوا دستگاه دیپلماسی که سعی می‌کند هوشیارانه مقابل یورش همه‌جانبه طرف مقابل بایستد و یا شناسایی عملیات‌های فریب، تهدیدها را تبدیل به فرصت برای امتیازگیری کند، ل‌ام‌تفاوتی رسانه‌ای نیز تحرکات فعّالانه از خود نشان دهد و اثر پذیری جامعه در برابر حملات چرّاخ خاموش طرف مقابل را به حداقل برسانند.